

# الگوی راهبردی حمایت از تولید ۲. محیط اقتصاد کلان

معاونت پژوهش‌های اقتصادی  
دفتر: مطالعات اقتصادی

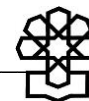
کد موضوعی: ۲۲۰  
شماره مسلسل: ۱۴۹۰۰

تیرماه ۱۳۹۵

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۱.....	مقدمه
۴.....	۱. محیط اقتصاد کلان
۶.....	۲. رانتهای نفتی و بی ثباتی محیط اقتصاد کلان
۸.....	۳. تأثیر محیط اقتصاد کلان بر کارآفرینی و کسب و کارها
۱۰.....	۴. محیط اقتصاد کلان در ایران
۱۲.....	نتیجه گیری
۱۳.....	منابع و مآخذ



## الگوی راهبردی حمایت از تولید ۲. محیط اقتصاد کلان

### چکیده

گزارش پیش رو، گزارش دوم از سلسله گزارش‌های الگوی راهبردی حمایت از تولید است که به منظور تهیه یک بسته سیاستی برای حمایت مؤثر از سرمایه‌گذاری‌های تولیدی در ایران تهیه می‌شود. در طراحی بسته سیاستی برای حمایت از تولید در کشور باید بجای کمک مستقیم مالی به برخی از تولیدکنندگان، محیط کسب‌وکار مناسبی را برای همه آنها ایجاد کرد. از مؤلفه‌های محیط کسب‌وکار مناسب، محیط اقتصاد کلان باثبات است. محیط اقتصاد کلان باثبات به کارآفرینان امکان برنامه‌ریزی و اطمینان و در نهایت رشد و توسعه آنها را می‌دهد و محیط اقتصاد کلان بی‌ثبات سبب افزایش ریسک و قیمت تمام شده محصولات و در نهایت شکست و تغییر ماهیت آنان می‌شود.

میانگین شاخص بی‌ثباتی محیط اقتصاد کلان (شاخص ماستریخت) در طی ۲۳ سال گذشته (۲۰۱۴-۱۹۹۱) نشان می‌دهد که بی‌ثباتی محیط اقتصاد کلان در ایران (۱۱/۲) بسیار بالاتر از میانگین جهان (۶/۴) و میانگین در همه گروه‌های کشورها حتی کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت (۷/۴) است.

مطالعات و آمار نشان می‌دهند که کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت از نرخ تورم و نرخ ارز واقعی بی‌ثبات‌تری نسبت به سایر کشورها برخوردارند و ایران در این زمینه شرایط به مراتب بدتری در طی ۲۳ سال گذشته (دوره ۱۹۹۱-۲۰۱۴) داشته است به طوری که بی‌ثباتی ناشی از نرخ ارز واقعی و نرخ تورم ایران حدود سه برابر میانگین جهان و بیش از دو برابر میانگین کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت بوده است. آسیب ناشی از بی‌ثباتی نرخ ارز واقعی برای کارآفرینان و کسب‌وکارها بسیار شدید است و توجه جدی مسئولان را می‌طلبد و راهکار ایجاد ثبات نیز سیاست مالی، پولی و ارزی مناسب است.

### مقدمه

رئیس مجلس شورای اسلامی در همایش نقش پژوهش در قانونگذاری (۱۳۹۳/۹/۲۴) که از مرکز پژوهش‌های مجلس خواستند بسته‌ای سیاستی برای رونق و تحول تولید در کشور تعریف کند و الگویی برای حمایت از تولید ارائه نماید. متن حاضر، دومین گزارش از مجموعه گزارش‌های الگوی حمایت از

تولید در پاسخ به این مطالبه است.<sup>۱</sup>

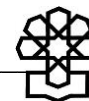
در گزارش اول الگوی حمایت از تولید (محیط کسب‌وکار) گفته شد حمایت مستقیم از تولید اغلب نه تنها موفقیت‌آمیز نیست، بلکه به احتمال زیاد به ضد هدف خود تبدیل می‌شود. تجربه‌های فراوانی از کشورهای صادرکننده نفت و از جمله ایران وجود دارد که نشان می‌دهد حمایت مستقیم از تولید به گسترش بخش دولتی، رانتجویی و فساد مالی، آمایش غیربهبینه سرزمین، توسعه نامتوازن و اتلاف منابع مالی دولتی و بانکی منجر شده است. در عوض، ایجاد محیطی مطلوب برای کسب‌وکار به گسترش بخش خصوصی، توسعه متوازن و ارتقای بهره‌وری و کارآیی در اقتصاد منجر می‌شود و در عین حال، مقامات دولتی کمتر در معرض فساد مالی و سوءمدیریت قرار می‌گیرند.

براساس نظریه عمومی «شین»<sup>۲</sup> می‌توان دو مجموعه عوامل محیطی مؤثر بر اداره بنگاه‌ها، شامل محیط اقتصادی و محیط نهادی را تفکیک کرد. عوامل محیط اقتصادی شامل محیط اقتصاد کلان، محیط مالی، محیط جغرافیایی (زیرساختار و خوشه‌های صنعتی) و ساختار تولید و عوامل محیط نهادی شامل محیط سیاسی، محیط حقوقی، محیط فرهنگی، محیط آموزشی و علمی، محیط فناوری و نوآوری و ساختار دولت می‌شود. این دو مجموعه عوامل، بر کسب‌وکارهای موجود و بر فرآیند کارآفرینی و در واقع نقطه آغازین کسب‌وکار، اثر می‌گذارند. هر چه محیط کسب‌وکار (محیط نهادی و اقتصادی) شرایط بهتری داشته باشد، زمینه برای بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی بیشتر می‌شود و هر چه بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی در جامعه‌ای بیشتر باشد، عملکرد اقتصاد آن کشور و خلق ارزش و ثروت بیشتر می‌شود (نمودار ۱).

### محیط اقتصادی

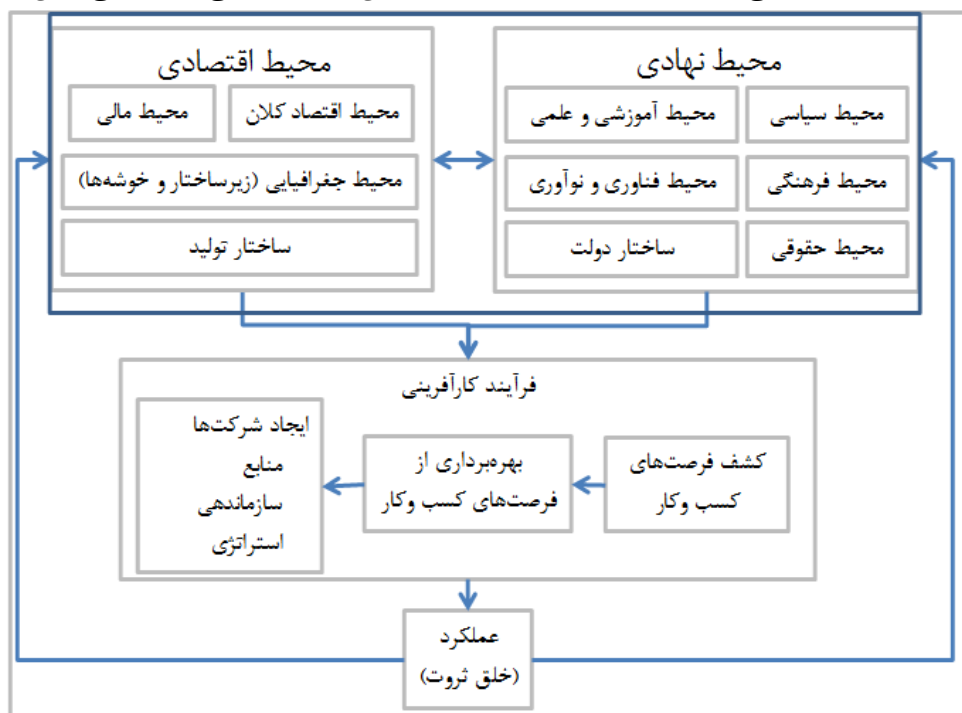
محیط اقتصادی شامل محیط اقتصاد کلان، محیط مالی، محیط جغرافیایی (زیرساختار و خوشه‌های صنعتی) و ساختار تولید می‌شود. محیط اقتصاد کلان، توسعه شرکت‌ها را از طریق متغیرهایی مانند اندازه و رشد اقتصاد، ثبات اقتصادی (تورم، تعادل بودجه) تحت تأثیر قرار می‌دهد. محیط اقتصادی، از سیاست‌های اقتصاد کلان از جمله سیاست‌های پولی و مالی و ارزی تأثیر می‌پذیرد. محیط مالی توسعه شرکت‌های جدید را به دو شکل تحت تأثیر قرار می‌دهد: اول، از طریق هزینه سرمایه که تصمیمات سرمایه‌گذاری را به‌طور کلی تحت تأثیر قرار می‌دهد و دوم، از طریق ویژگی‌های تأمین مالی شرکت‌های جدید یا ایده‌های کسب‌وکار جدید (Cuervo, 2005). ساختار تولید و شرایط صنعتی رایج در ناحیه، منطقه یا کشورها می‌تواند تفاوت‌ها در میزان بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینانه و خلق شرکت‌ها را

۱. مشخصات گزارش اول به این شرح است: شاهین جوادی، «الگوی راهبردی حمایت از تولید ۱. محیط کسب‌وکار»، دفتر مطالعات اقتصادی (گروه مطالعات محیط کسب‌وکار)، شماره مسلسل: ۱۴۶۸۸، بهمن‌ماه ۱۳۹۴.



تحت تأثیر قرار دهد. محیط جغرافیایی (زیرساختها و خوشه‌های صنعتی)، میزان ایجاد شرکت‌های جدید را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرصت‌های کارآفرینانه در یک حوزه جغرافیایی از طریق افرادی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد که در شرکت‌های آن منطقه آموزش دیده یا کار می‌کنند. فراهم بودن زیرساختار یک منطقه یا کشور، می‌تواند هزینه تولید و توزیع شرکت‌ها را کاهش دهد.

### نمودار مدل مفهومی بسط یافته محیط کسب و کار براساس نظریه عمومی کارآفرینی شین



مأخذ: اقتباس از شین، ۲۰۰۳.

### محیط نهادی

محیط نهادی شامل محیط سیاسی، محیط حقوقی، محیط فرهنگی، محیط آموزشی و علمی، محیط فناوری و نوآوری و ساختار دولت می‌شود. محیط سیاسی می‌تواند توسعه شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. ایده‌های حمایت‌گرایانه<sup>۱</sup> و بازارهای در معرض هوسرانی سیاسی<sup>۲</sup>، تعداد رانتجویان و تصاحب ثروت به هزینه کارآفرینان مولد را افزایش می‌دهد. محیط حقوقی متناظر با نظام حقوقی لازم‌الاجرا در هر کشور است. وجود و رعایت حقوق مالکیت معنوی، یکی از مهمترین عوامل برای توسعه کسب و کارها محسوب می‌شود (شین، ۱۳۸۸: ۹۲). محیط فرهنگی برحسب ارزش‌ها و عقاید و مشروعیت فعالیت کارآفرینانه، انگیزه‌هایی برای بهره‌برداری از فرصت‌ها ایجاد می‌کند. ارزش‌هایی وجود دارند که تمجید موفقیت

1. Protectionist  
2. Political Whim

و پذیرش شکست، تغییر و خلاقیت را پشتیبانی می‌کنند. محیط آموزشی و علمی مناسب عاملی کلیدی در خلق سرمایه انسانی است که از توسعه شرکت‌ها و کارآفرینان پشتیبانی می‌کنند. ایجاد و توسعه کسب‌وکارها به دلایل مختلف به دانشگاه‌ها بستگی دارد (Cuervo, 2005)؛ از جمله به دلیل آموزشی که ارائه می‌کنند و تحقیق و نوآوری که ایجاد می‌کنند. محیط فناوری و نوآوری کشور می‌تواند بر سطح دسترسی کسب‌وکارها به فناوری‌های پیشرفته‌تر تأثیرگذار باشد. ساختار دولت نیز می‌تواند بر جغرافیای اقتصادی و توسعه کسب‌وکارها تأثیر ویژه‌ای داشته باشد. صرفنظر از آنکه ساختار متمرکز دولتی، کارآیی دولت را کاهش می‌دهد می‌تواند بر جغرافیای اقتصادی شرکت‌ها نیز تأثیرگذار باشد (Cuervo, 2005). در ادامه این گزارش نکاتی درباره محیط اقتصاد کلان و تأثیر آن بر کارآفرینی و کسب‌وکارهای موجود و نقش رانت‌های نفتی در ثبات محیط اقتصاد کلان و شرایط محیط اقتصاد کلان در ایران ارائه می‌شود.

### ۱. محیط اقتصاد کلان

همانطور که گفته شد محیط اقتصاد کلان، توسعه شرکت‌ها را از طریق متغیرهایی مانند اندازه و رشد اقتصاد و ثبات اقتصادی تحت تأثیر قرار می‌دهد. اندازه و رشد اقتصاد مفاهیم به نسبت روشن‌تری نسبت به مفهوم ثبات اقتصادی هستند.

اصطلاح «محیط اقتصاد کلان باثبات» یک اقتصاد ملی را توصیف می‌کند که آسیب‌پذیری آن نسبت به تکانه‌های خارجی به حداقل رسیده و موجب رشد پایدار اقتصادی می‌شود (خلیلی عراقی و رمضانپور، ۱۳۸۰). محیط باثبات اقتصاد کلان مانند یک ضربه‌گیر در مقابل نوسانات پول و بهره در بازار جهانی عمل می‌کند و شرطی لازم، اما نه کافی برای رشد اقتصادی است (World Economic Forum, 2006). محیط اقتصاد کلان شرایط باثباتی خواهد داشت در صورتی که کسری بودجه در سطح معقولی باشد، نرخ تورم کم و قابل پیش‌بینی باشد (نااطمینانی تورم اندک باشد)، نرخ ارز رقابتی و نزدیک به سطح تعادلی و ترازپرداخت‌ها مناسب رشد و توسعه اقتصادی باشد (World Bank, 1993).

واژه بی‌ثباتی (متضاد ثبات) در زبان انگلیسی معادل دو واژه *Instability* و *Volatility* بکار می‌رود<sup>۱</sup> که گاهی برخی محققان این دو را بجای هم به کار می‌برند، اما بین آن دو تفاوت مهمی وجود دارد. واژه *Volatility* اشاره به درجه‌ای که یک متغیر در طی یک دوره زمانی معین تغییر می‌کند، دارد و اغلب با انحراف معیار آن متغیر سنجیده می‌شود، اما *Instability* اختلالات جدی در سیستم است که با تضعیف توانایی سیستم برای ارائه خدمات، می‌تواند سبب کاهش در فعالیت واقعی سیستم

۱. واژه *Fluctuation* به معنای نوسان به کار می‌رود.



شود (IMF, 2003). دوره‌های *Instability* همواره با *Volatility* بالایی همراه هستند، اما *Volatility* بر *Instability* دلالت ندارد. آنچه برای کارآفرینی و رشد و توسعه کسب‌وکارها مضر است، *Instability* است و نه *Volatility*. حتی ممکن است که در شرایطی تغییرات بهنگام در متغیرهای اقتصاد کلان مانند نرخ ارز و قیمت مواد اولیه یا کالاها و خدمات برای حفظ شرکت‌ها از آسیب لازم باشد. پس در این گزارش منظور از بی‌ثباتی *Instability* است. نهادهایی مانند بانک جهانی (World Bank, 1990: p 5)، صندوق بین‌المللی پول (Krueger, 2006) و اتحادیه اروپا بر ثبات اقتصاد کلان تأکید دارند که اتحادیه اروپا براساس معیارهای پیمان ماستریخت (European Union, 2012) ثبات اقتصاد کلان را با پنج متغیر اندازه‌گیری می‌کند:

– **تورم پایین و باثبات** که سطح تقاضای مناسب در اقتصاد را نشان می‌دهد. تورم بالا و بی‌ثبات می‌تواند رشد اقتصادی را کاهش دهد (Wessels, 1993: p 83). تورم بالا از ارزش قراردادهای بلندمدت می‌کاهد و عدم اطمینان در بازار ایجاد کرده و هزینه ریسک را افزایش می‌دهد. تورم بالا می‌تواند بر درآمدها، هزینه‌ها و تعهدات اشخاص و دولت تأثیر منفی داشته باشد. معیار ماستریخت، حد نرخ تورم در یک اقتصاد باثبات را ۳ درصد تعیین می‌کند.

– **نرخ‌های بهره بلندمدت پایین** انتظارات تورمی باثبات در آینده را نشان می‌دهد. درحالی‌که نرخ‌های تورم جاری ممکن است به‌طور قابل قبولی پایین باشند، نرخ‌های بهره بلندمدت بالا، از تورم بالاتر در آینده حکایت دارند. معیار ماستریخت نرخ‌های بهره بلندمدت را به دامنه ۹ درصد محدود می‌کند.

– **نسبت پایین بدهی ملی به تولید ناخالص داخلی** نشان می‌دهد که دولت انعطاف‌پذیری لازم برای استفاده از درآمدهای مالیاتی‌اش در پرداختن به نیازهای داخلی کشور را بجای پرداخت به وام‌دهندگان خارجی دارد. به‌علاوه بدهی ملی پایین اجازه سیاست مالی ملایم را در دوره‌های بحرانی می‌دهد. ملاک ماستریخت سقف ۶۰ درصد را برای این متغیر تعیین کرده است.

– **کسری بودجه پایین** مانع رشد بدهی ملی می‌شود. معیار ماستریخت نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی را ۳ درصد تعیین کرده است.

– **ثبات ارزش پول** به صادرکنندگان و واردکنندگان (شامل تولیدکنندگانی که از مواد اولیه خارجی استفاده می‌کنند) اجازه می‌دهد که استراتژی‌های رشد بلندمدت برای خود ترسیم کرده و ریسک نرخ ارز را مدیریت کنند. معیار ماستریخت حداکثر نوسان را ۲/۵ درصد تعیین کرده است.

در این گزارش با الگو گرفتن از مطالعات فیشر (Fischer, 1993)، ایزمیهان و همکاران (Ismihan, 2002)، حقیقی و همکاران (Metin-Ozcan, & Tansel, 2002)، رحمانی و همکاران (رحمانی، پوررحیم و دهقان منشادی، ۱۳۹۱) و دهقان منشادی و همکاران

(دهقان منشادی و پوررحیم، ۱۳۹۲) و الهام از روش‌شناسی زیرشاخص درآمد در شاخص توسعه انسانی (UNDP, 2014) شاخص بی‌ثباتی اقتصاد کلان (MII) به صورت زیر تعریف و محاسبه می‌گردد:

شاخص بی‌ثباتی اقتصاد کلان (MII) میانگین پنج زیرشاخص از معیارهای پیمان ماستریخت هستند که هر زیرشاخص به صورت زیر محاسبه شده‌اند:

$$I_t = \frac{\ln(X_t) - \ln(X_{Mc})}{\ln(X_{Max}) - \ln(X_{Mc})} \times 100$$

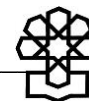
که در فرمول بالا  $I_t$  زیرشاخص متغیر  $X$  از شاخص بی‌ثباتی اقتصاد کلان (MII) در سال  $t$ ،  $\ln$  تابع لگاریتم طبیعی،  $X_t$  مقدار متغیر  $X$  در سال  $t$ ،  $X_{Max}$  حداکثر مقدار متغیر  $X$  در کل کشورها و دوره زمانی مطالعه و  $X_{Mc}$  سقف مجاز متغیر  $X$  براساس ملاک ماستریخت است. در واقع بدین ترتیب دامنه نوسان هر زیرشاخص بی‌ثباتی اقتصاد کلان (MII) به عدد صفر تا حداکثر صد محدود می‌شود که بر این اساس پایین‌ترین مقدار بی‌ثباتی صفر است که برابر با سقف مجاز براساس ملاک پیمان ماستریخت است و بالاترین مقدار بی‌ثباتی عدد صد است که برابر با حداکثر مقدار متغیر  $X$  در طول تاریخ مورد بررسی است.

## ۲. رانتهای نفتی و بی‌ثباتی محیط اقتصاد کلان

گفته می‌شود کشورهای با منابع طبیعی فراوان مانند کشورهای صادرکننده نفت بیشتر از سایر کشورها در معرض بی‌ثباتی اقتصاد کلان هستند زیرا رانتهای حاصل از منابع طبیعی به دلیل کشش قیمتی پایین عرضه منابع طبیعی (حداقل در کوتاه‌مدت)، معمولاً بسیار بی‌ثبات هستند. برای مثال، طی سال‌های گذشته انحراف معیار تغییرات قیمت نفت در حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد در سال بوده است. برای کشوری که نفت حدود ۲۰ درصد از تولید ناخالص داخلی آن را تشکیل می‌دهد، تکانه‌ای به اندازه یک انحراف معیار به تکانه درآمدی معادل با ۶ درصد GDP منجر می‌شود. این مقدار نوسان نسبت به کل نوسانات GDP در کشورهای صنعتی (حدود ۲ درصد) یا حتی کشورهای در حال توسعه (بین ۳ تا ۴ درصد) بسیار عظیم است (Hausmann & Rigobon, 2003) که این نوسانات در تولید ناخالص داخلی می‌تواند سبب افزایش کسری بودجه، نرخ تورم، نوسان نرخ ارز و سایر متغیرهای اقتصادی شود که این امر ثبات محیط اقتصاد کلان این کشورها را تهدید می‌کند.

در کشورهای صادرکننده نفت، سیاست مالی ادواری خود می‌تواند به‌عنوان یک عامل مهم دیگر در بی‌ثبات کردن محیط اقتصاد کلان نقش داشته باشد. دولت به‌عنوان یک مجموعه عریض و طویل که در آن منابع مالی براساس منطق اقتصادی هزینه نمی‌شود، در بی‌ثبات کردن محیط اقتصاد کلان نقش





دارد. یک فرد یا سازمان با مدیریت معقول در سال‌ها یا در ماه‌هایی که قیمت جهانی مواد اولیه افزایش می‌یابد، سعی می‌کند که سرمایه خود را پس‌انداز کند و سرمایه‌گذاری عمرانی خود را در زمان مناسب‌تری انجام دهد یا حداقل در این شرایط سرمایه‌گذاری خود را افزایش نمی‌دهد. اما دولت‌ها در کشورهای صادرکننده نفت (از جمله ایران براساس تجربه چند سال گذشته) با افزایش قیمت جهانی مواد اولیه، سرمایه‌گذاری عمرانی خود را افزایش می‌دهند و با کاهش قیمت جهانی مواد اولیه، سرمایه‌گذاری عمرانی خود را کاهش می‌دهند چون قیمت مواد اولیه با قیمت جهانی نفت و قیمت جهانی نفت نیز با درآمدهای نفتی این کشورها همبسته است. این امر سبب افزایش قیمت مواد اولیه تولیدی در کشور، گاهی حتی بیشتر از قیمت جهانی آن می‌شود. همچنین دولت برای اجرای طرح‌های عمرانی در طول سال تقاضای یکنواخت برای مواد اولیه ایجاد نمی‌کند، بلکه در برخی از ماه‌ها با توجه به وصول درآمدهایش تقاضای بیشتری ایجاد می‌کند که این موضوع سبب نوسانات در قیمت مواد اولیه طی ماه‌های مختلف می‌شود (گروه نویسندگان، ۱۳۸۸: ۳۰۷).

همچنین تزریق رانت‌های نفتی به اقتصاد می‌تواند از طریق سازوکار بیماری هلندی سبب افزایش نقدینگی و بالا رفتن نرخ تورم به خصوص کالاهای غیرقابل تجارت شود که می‌تواند فضای بی‌ثباتی را برای اقتصاد کلان به همراه آورد.

اما از طرف دیگر انتظار می‌رود کشورهای دارای منابع طبیعی فراوان با در اختیار داشتن رانت حاصل از منابع طبیعی، منابع درآمدی بیشتر و کسری بودجه و بدهی کمتری نسبت به سایر کشورها داشته باشند. همچنین بانک‌های مرکزی این کشورها به پشتوانه ذخایر خارجی ناشی از صادرات منابع طبیعی مانند نفت خام به آسانی در دوره‌ای کوتاه‌مدت تا میان‌مدت، نرخ ارز را کنترل کرده که به تبع نرخ تورم نیز تاحدودی کنترل می‌شود. به عبارت دیگر فراوانی منابع طبیعی خود می‌تواند بی‌ثباتی اقتصاد کلان کمتری را برای این کشورها به ارمغان بیاورد.

جدول ۱ میانگین شاخص بی‌ثباتی ماستریخت و اجزای آن را به تفکیک کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته و کشورهای صادرکننده نفت و غیرصادرکننده نفت برای دوره ۱۹۹۱-۲۰۱۴ نشان می‌دهد. همانطور که در این جدول مشاهده می‌شود بی‌ثباتی در کشورهای توسعه‌یافته (۴/۲) به مراتب کمتر از کشورهای در حال توسعه (۷/۴) است. در گروه کشورهای توسعه‌یافته، کشورهای صادرکننده نفت (۲/۹) از بی‌ثباتی به مراتب کمتری نسبت به کشورهای غیرصادرکننده نفت (۴/۴) برخوردارند، اما در گروه کشورهای در حال توسعه، این تفاوت معنادار به نظر نمی‌رسد (۷/۵) در مقابل (۷/۴). همچنین برای کشورهای توسعه‌یافته، همه زیرشاخص‌های بی‌ثباتی مربوط به صادرکنندگان نفت کمتر از غیرصادرکنندگان نفت است، اما در گروه کشورهای در حال توسعه، بی‌ثباتی ناشی از دو زیرشاخص نرخ تورم و نرخ ارز برای صادرکنندگان نفت بیشتر از غیرصادرکنندگان نفت است.

جدول ۱. میانگین شاخص بی‌ثباتی ماستریخت و اجزای آن به تفکیک کشورها (۱۹۹۱-۲۰۱۴)

طبقه‌بندی کشورها	صادرکننده نفت	شاخص بی‌ثباتی ماستریخت	زیرشاخص بدهی دولت	زیرشاخص کسری بودجه دولت	زیرشاخص نرخ بهره	زیرشاخص نرخ ارز واقعی	زیرشاخص نرخ تورم
کشورهای در حال توسعه	صادرکننده نفت	۷/۴	۳/۷	۴/۳	۷/۱	۱۱/۶	۹/۹
	غیرصادرکننده نفت	۷/۵	۶/۵	۵/۵	۷/۵	۸/۹	۸/۹
	همه	۷/۴	۷/۳	۵/۴	۵/۱	۹/۹	۹/۳
کشورهای توسعه یافته	صادرکننده نفت	۲/۹	۳/۹	۴/۳	۰/۶	۵/۳	۰/۴
	غیرصادرکننده نفت	۴/۴	۶/۲	۶/۹	۱/۵	۵/۶	۱/۹
	همه	۴/۲	۱/۴	۵/۹	۶/۵	۵/۵	۱/۶
<b>میانگین جهانی</b>							
۶/۴							

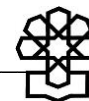
مآخذ: داده‌های بانک جهانی و محاسبات محقق.

در مجموع می‌توان از جدول بالا نتیجه گرفت که:

۱. بی‌ثباتی محیط اقتصاد کلان در کشورهای توسعه یافته کمتر از کشورهای در حال توسعه است.
۲. در گروه کشورهای توسعه یافته، بی‌ثباتی کشورهای صادرکننده نفت کمتر است.
۳. در گروه کشورهای در حال توسعه، بی‌ثباتی کشورهای صادرکننده نفت و غیرصادرکننده نفت یکسان است.
۴. در گروه کشورهای توسعه یافته، همه زیرشاخص‌های بی‌ثباتی مربوط به صادرکنندگان نفت کمتر از غیرصادرکنندگان نفت است.
۵. در گروه کشورهای در حال توسعه، بی‌ثباتی ناشی از زیرشاخص‌های نرخ ارز و نرخ تورم مربوط به صادرکنندگان نفت بیش از غیرصادرکنندگان نفت است و بی‌ثباتی ناشی از بقیه زیرشاخص‌ها برای صادرکنندگان نفت کمتر از غیرصادرکنندگان نفت است.

### ۳. تأثیر محیط اقتصاد کلان بر کارآفرینی و کسب‌وکارها

تحقیقات بسیاری نشان می‌دهد که اندازه و رشد اقتصاد کلان بر سطح بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی تأثیر دارد. ایجاد شرکت‌ها به اندازه بازارها برای کالاها و خدمات و عوامل تولید بستگی دارد. برای مثال، در اسپانیا بحث‌هایی درباره مسائل مربوط به تقاضای داخلی یک بازار بی‌ثبات و کوچک وجود دارد که به‌عنوان یک متغیر توضیحی از ایجاد محدود شرکت‌ها مطرح است (Cuervo, 2005). این امر حکایت از چرخه معیوب شناخته شده‌ای دارد: عقب‌ماندگی یا توسعه نیافتگی مانعی برای توسعه اقتصادی و توسعه کارآفرینی است. آدریچ و آکس (Audretsch & Acs, 1994) فعالیت راه‌اندازی شرکت جدید در



۱۱۷ صنعت در سال‌های بین ۱۹۷۶ و ۱۹۸۶ را بررسی کردند و دریافتند که وقتی رشد تولید ناخالص داخلی بالاتر است، شرکت‌های جدید بیشتری ایجاد می‌شوند. گرانت (Grant, 1996) درصد تغییر سالیانه در ایجاد کسب‌وکارهای جدید را در ۴۸ ایالت آمریکا از ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۵ بررسی کردند و دریافتند که در دوره‌های رونق اقتصادی ایجاد کسب‌وکارهای جدید افزایش و در دوره‌های رکود این متغیر کاهش می‌یابد.

محیط اقتصاد کلان باثبات سبب توسعه کارآفرینی مولد و توسعه شرکت‌ها می‌شود. محیط اقتصاد کلان باثبات، نااطمینانی کارآفرین مولد را نسبت به آینده کاهش و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را افزایش می‌دهد (خلیلی عراقی و رمضانپور، ۱۳۸۰). محققان دریافتند که ثبات در سیاست‌های پولی و مالی، بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینانه را تشویق می‌کند زیرا ثبات اقتصادی اعتماد به نفس بیشتری به افراد در اتخاذ تصمیمات کارآفرینانه‌اشان می‌دهد (Harper, 1997). وقتی تورم بالا باشد و افراد انتظار ثبات اقتصادی یا پولی را نداشته باشند، سرمایه‌گذاری در فرصت‌های کارآفرینانه را دشوار می‌یابند. از آنجایی که کارآفرینان باید در یک دوره زمانی منابع لازم را کسب کنند و محصولات خود را (که حاصل تبدیل منابع به شکلی دیگر است) در دوره زمانی دیگری به فروش برسانند، شرایط اقتصادی بی‌ثبات، تصمیم‌گیری در رابطه با وضعیت آینده را دشوار می‌سازد. حتی ارزشمندترین فرصت‌های کارآفرینانه تحت تأثیر نیروهای اقتصاد کلان ممکن است از بین بروند. مک میلان و وودراف (McMillan & Woodruff, 2002) تشریح کردند که اگر خریداران به‌طور معمول ۳۰ روز برای پرداخت وجه کالاها زمان داشته باشند، یک تکانه اقتصادی مانند یک انقباض اعتباری شدید می‌تواند آنها را به عدول در پرداخت تعهدشان سوق دهد. با ترس از این احتمال، کارآفرینان ممکن است پرداخت فوری از مشتریان را بجای اعتبار درخواست کنند که تبدیل به مانعی برای فعالیت کارآفرینانه می‌شود.

شواهدی از جوامعی که شرایط تورم افسارگسیخته و بی‌ثباتی اقتصادی را تجربه کردند، این استدلال را تأیید می‌کنند. اکثر جوامعی که این شرایط اقتصادی را دارند، کاهش شدید در ایجاد کسب‌وکار و سایر فعالیت‌های کارآفرینانه را تجربه می‌کنند. برای مثال، طبق گزارش‌های روزنامه‌ها، در طول تورم افسارگسیخته در آمریکای لاتین در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، تعداد افرادی که شرکت‌های جدید در برزیل و آرژانتین راه‌اندازی کردند، به‌شدت از سطح دوران به نسبت باثبات قبلی کمتر شد (Shane, 2003). دو مطالعه علمی این شواهد روزنامه‌ای درباره ارتباط بین تورم و فعالیت کارآفرینانه را تأیید می‌کنند. در مطالعه‌ای از اقتصادهای در حال گذار، مک میلان و وودراف (McMillan & Woodruff, 2002) دریافتند که فعالیت کارآفرینانه در کشورهایی که نرخ‌های تورم پایین‌تر دارند نسبت به کشورهای با تورم بالاتر، بسیار سریع‌تر رشد می‌کند. به‌طور مشابه، هابفیلد و اسمایلی (Highfield & Smiley, 1987) داده‌های فصلی نرخ رشد شرکت‌های جدید در ایالات متحده را از فصل سوم ۱۹۴۸ تا فصل چهارم ۱۹۷۷

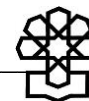
بررسی کردند و دریافتند که تورم پایین‌تر به رشد شرکت‌های جدید در دوره‌های بعدی منجر شده است. مطالعات علمی داخلی نیز اثر منفی محیط اقتصاد کلان را بر فعالیت‌های کارآفرینانه تأیید می‌کند. برای مثال صفدری و پورشهبابی در مطالعه خود نشان می‌دهند که با افزایش تورم، نااطمینانی تورم افزایش یافته و منجر به کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در اقتصاد ایران شده و این مسئله اثر منفی بلندمدتی بر نرخ رشد اقتصادی کشور داشته است (صفدری و پورشهبابی، ۱۳۸۸).

#### ۴. محیط اقتصاد کلان در ایران

جدول ۲ میانگین شاخص بی‌ثباتی ماستریخت و اجزای آن را برای ایران و سایر کشورها به تفکیک توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته و صادرکننده نفت و غیرصادرکننده نفت برای دوره ۱۹۹۱-۲۰۱۴ نشان می‌دهد. همانطور که در این جدول مشاهده می‌شود شاخص بی‌ثباتی ماستریخت برای ایران (۱۱/۲) بسیار بالاتر از میانگین جهان (۶/۴) و میانگین در همه گروه‌های کشورهای حتی کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت (۷/۴) است. این امر نشان می‌دهد که در کل شرایط محیط اقتصاد کلان ایران در مقایسه با سایر کشورها برای کارآفرینان و کسب‌وکارها مناسب نیست.

در زیرشاخص‌های بی‌ثباتی محیط اقتصاد کلان، زیرشاخص بدهی دولت و کسری بودجه دولت برای ایران (به ترتیب ۰/۱۰ و ۱/۹) بسیار پایین‌تر از میانگین جهان (به ترتیب ۵/۶ و ۵/۵) و همه گروه‌های کشورهای حتی کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت (به ترتیب ۳/۷ و ۴/۳) است. اما بی‌ثباتی زیرشاخص نرخ بهره برای ایران (۷/۲) از میانگین جهان (۵/۵) بالاتر ولی تقریباً با میانگین کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت (۷/۱) یکسان است.

مسئله اصلی کشور در حوزه شاخص بی‌ثباتی محیط اقتصاد کلان، مربوط به زیرشاخص‌های نرخ ارز واقعی و نرخ تورم است. بی‌ثباتی ناشی از زیرشاخص نرخ ارز واقعی و نرخ تورم ایران (به ترتیب ۲۵/۵ و ۲۰/۶) حدود سه برابر میانگین جهان (به ترتیب ۸/۶ و ۷/۰) و بیش از دو برابر میانگین کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت (به ترتیب ۱۱/۶ و ۹/۹) است.



جدول ۲. مقایسه میانگین شاخص بی ثباتی ماستریخت و اجزای آن (۲۰۱۴-۱۹۹۱)

زیرشاخص نرخ تورم	زیرشاخص نرخ ارز واقعی	زیرشاخص نرخ بهره	زیرشاخص کسری بودجه دولت	زیرشاخص بدهی دولت	شاخص بی ثباتی ماستریخت	صادرکننده نفت	طبقه بندی کشورها
۹/۹	۱۱/۶	۷/۱	۴/۳	۳/۷	۷/۴	صادرکننده نفت	کشورهای در حال توسعه
۲۰/۶	۲۵/۵	۷/۲	۱/۹	۰/۰	۱۱/۱	شامل ایران	
۸/۹	۸/۹	۷/۵	۵/۵	۶/۵	۷/۵	غیرصادرکننده نفت	
۹/۳	۹/۹	۵/۱	۵/۴	۷/۳	۷/۴	همه	کشورهای توسعه یافته
۰/۴	۵/۳	۰/۶	۴/۳	۳/۹	۲/۹	صادرکننده نفت	
۱/۹	۵/۶	۱/۵	۶/۹	۶/۲	۴/۴	غیرصادرکننده نفت	
۱/۶	۵/۵	۶/۵	۵/۹	۱/۴	۴/۲	همه	
۷/۰	۸/۶	۵/۵	۵/۵	۵/۶	۶/۴	میانگین جهانی	

مآخذ: همان.

پایین بودن بی ثباتی ناشی از زیرشاخص های کسری بودجه و بدهی دولت و بالا بودن بی ثباتی ناشی از زیرشاخص های نرخ تورم و نرخ ارز واقعی در ایران<sup>۱</sup> به سازوکارهای ارتباط بین سیاست مالی (کسری بودجه و بدهی دولت) و سیاست پولی و ارزی (نرخ تورم و نرخ ارز واقعی) و چگونگی مدیریت رانتهای نفتی برمی گردد. سازوکار اصلی به طور ساده در کشور بدین ترتیب بوده است که با استفاده از رانتهای نفتی تزریقی به بودجه، کسری بودجه در سطح پایینی قرار گرفته، اما نرخ تورم (به ویژه در بخش خدمات و مسکن) به دلیل تزریق دلارهای نفتی افزایش می یابد و از آنجا که نرخ ارز اسمی معادل نرخ تورم سالیانه تعدیل نمی شود، نرخ ارز واقعی<sup>۲</sup> در چند سال متوالی کاهش می یابد آنگاه با کاهش نرخ ارز واقعی، واردات شتاب گرفته و ذخایر ارزی بانک مرکزی کاهش می یابد. سپس تحت فشار کاهش ذخایر ارزی، به ناگهان فنر نرخ ارز اسمی رها می شود.

آسیب ناشی از بی ثباتی نرخ ارز واقعی برای کارآفرینان و کسب و کارها بسیار شدید است. کارآفرینان برای راه اندازی یک کسب و کار براساس قیمت های نهاده و محصولشان برنامه ریزی می کنند، اما بی ثباتی نرخ ارز واقعی سبب می شود که تمام برنامه های تولید کارآفرینان با مشکل مواجه شود. در این شرایط کسب و کارهای خرد و کوچک به راحتی از بین می روند و احتمالاً با ضرر مجبور به تعطیل کردن کارگاه خود می شوند. اما کارآفرینانی که از بنیه مالی بالاتر برخوردارند یا به رانتهای اطلاعاتی و بانکی و غیره دسترسی دارند احتمالاً تا زمان رها شدن فنر نرخ ارز اسمی می توانند شرایط را تحمل کنند. در این فرآیند برخی دیگر هم تغییر ماهیت می دهند بدین گونه که از تولیدکننده و صادرکننده به مونتاژکننده

۱. برخلاف شرایط حال حاضر به دلیل کاهش ورود دلارهای نفتی به اقتصاد ناشی از تحریم و کاهش قیمت نفت.

۲. نرخ ارز واقعی به طور ساده عبارت است از: نرخ ارز اسمی تقسیم بر شاخصی از قیمت ها یا شاخصی از هزینه ها.

و واردکننده تبدیل می‌شوند.

درواقع یکی از کارکردهای سیاست ارزی باید جلوگیری از انتقال شوک‌ها و بی‌ثباتی جهانی به کشور باشد تا محیط اقتصاد کلان باثباتی را برای کارآفرینان فراهم کند، اما در کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت از جمله کشور ما، سلطه سیاست مالی دولت سبب از کارافتادن سیاست پولی و ارزی مناسب می‌شود و محیط اقتصاد کلان بی‌ثباتی را برای کارآفرینان رقم می‌زند.

### نتیجه‌گیری

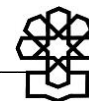
محیط اقتصاد کلان یکی از مهمترین مؤلفه‌های محیط کسب‌وکار است که تأثیر بسزایی بر کارآفرینان و کسب‌وکارها دارد. بی‌ثباتی محیط اقتصاد کلان می‌تواند کارآفرینان را از راه‌اندازی کسب‌وکار منصرف کند یا آنکه برنامه‌های تولید یک کسب‌وکار را دچار اشکال کند یا آن را به تعطیلی و ورشکستگی بکشاند. اما میانگین شاخص بی‌ثباتی محیط اقتصاد کلان (شاخص ماستریخت) در طی ۲۳ سال گذشته (۱۹۹۱-۲۰۱۴) نشان می‌دهد که بی‌ثباتی محیط اقتصاد کلان در ایران (۱۱/۲) بسیار بالاتر از میانگین جهانی (۶/۴) و میانگین در همه گروه‌های کشورها حتی کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت (۷/۴) است. مسئله اصلی کشور در حوزه شاخص بی‌ثباتی محیط اقتصاد کلان، مربوط به زیرشاخص‌های بی‌ثباتی نرخ ارز واقعی و نرخ تورم است. بی‌ثباتی ناشی از زیرشاخص نرخ ارز واقعی و نرخ تورم ایران به ترتیب (۲۵/۵) و (۲۰/۶) حدود سه برابر میانگین جهان (به ترتیب ۸/۶) و (۷/۰) و بیش از دو برابر میانگین کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت (به ترتیب ۱۱/۶) و (۹/۹) است. آسیب ناشی از بی‌ثباتی نرخ ارز واقعی برای کارآفرینان و کسب‌وکارها بسیار شدید است و توجه جدی مسئولان را می‌طلبد.

### راهکارهای ایجاد محیط اقتصاد کلان باثبات عبارتند از:

**در درجه اول سیاست مالی مناسب از اهمیت بالایی برخوردار است:** ایجاد انضباط مالی، پایدارسازی منابع بودجه دولت، کاهش هزینه‌های غیرضرور دولت و فروش دارایی‌ها و اموال دولتی بلااستفاده و کم‌بازده و کاستن از ابعاد تصدی بخش عمومی.

**در درجه دوم سیاست پولی مناسب از اهمیت بالایی برخوردار است:** کنترل رشد حجم نقدینگی و نرخ تورم، ایجاد انضباط در سیستم بانکی و ثبات بخش مالی و کاستن از نرخ سود تسهیلات به طریق غیردستوری.

**در درجه سوم سیاست ارزی مناسب از اهمیت بالایی برخوردار است:** تعدیل تدریجی نرخ ارز اسمی و جلوگیری از انتقال شوک‌ها و بی‌ثباتی جهانی به اقتصاد کشور.



۱. خلیلی عراقی، م.، و رمضانپور، ا. اهمیت محیط باثبات اقتصاد کلان، مجله تحقیقات اقتصادی، ۱۳۸۰.
۲. دهقان منشادی، م.، & پوررحیم، پ. رابطه بین بی‌ثباتی اقتصاد کلان و رشد اقتصادی در ایران، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۳۹۲.
۳. رحمانی، ت.، پوررحیم، پ.، & دهقان منشادی، م. بررسی رابطه بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصاد کلان و توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه، مجله سیاست‌گذاری اقتصادی، ۱۳۹۱.
۴. شین، ا. تئوری عمومی کارآفرینی: زنجیره فرد-فرصت (مترجم: کامبیز طالبی و دیگران)، تهران، نشر سیدآرین عسکری رانکوه، ۱۳۸۸.
۵. صفدری، م.، و پورشهابی، ف. اثر نااطمینانی تورم بر رشد اقتصادی ایران (کاربرد مدل‌های VECM و EGARCH)، دانش و توسعه، زمستان ۱۳۸۸.
۶. صندوق بین‌المللی پول، تدوین و اجرای سیاست مالی در کشورهای تولیدکننده نفت (مترجم: شاهین جوادی)، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۲۰۰۳.
۷. گروه نویسندگان، مدیریت اقتصاد کلان در کشورهای صادرکننده نفت (مترجم: شاهین جوادی)، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۸.
8. Audretsch, D., & Acs, Z. (1994). New firms startups, technology, and macroeconomic fluctuations. *Small Business Economics*, 6, 439-49.
9. Cuervo, A. (2005). Individual and Environmental Determinants of Entrepreneurship. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 1, 293-311.
10. Cuervo, A. (2005). Individual and Environmental Determinants of Entrepreneurship. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 1, 293-311.
11. D. Grant. (۱۹۹۶). The political economy of new business formation across the American States, 1970-1985. *Social Science Quarterly*, 77(1).
12. European Union. (2012). CONSOLIDATED VERSION OF THE TREATY ON EUROPEAN UNION. *Official Journal of the European Union*.
13. Fischer, S. (1993). The Role of Macroeconomic Factors in Growth. *Journal of Monetary Economics*, 485-512.
14. Haghghi, H. K., Sameti, M., & Isfahani, R. D. (2012). The Effect of Macroeconomic Instability on Economic Growth in Iran. *Research in Applied Economics*, 39-61.
15. Harper, D. (1997). *institutional conditions for entrepreneurship*. US: new York University.
16. Hausmann, R., & Rigobon, R. (2003). *An Alternative Interpretation of the 'Resource Curse': Theory and Policy Implications*. NBER Working Paper No. 9424.
17. Highfield, R., & Smiley, R. (1987). New business starts and economic activity. *International Journal of industrial Organization*, 5, 51-66.
18. IMF. (2003). FINANCIAL ASSET PRICE VOLATILITY: A SOURCE OF INSTABILITY? In IMF, *Global Financial Stability Report* (pp. 62-63). Washington: IMF.

19. Ismihan, M., Metin-Ozcan, K., & Tansel, A. (2002). Macroeconomic Instability, Capital Accumulation and Growth: The Case of Turkey (1963-1999). *Economic Research Forum for the Arab Countries, Iran & Turkey*, 1-28.
20. Krueger, A. O. (2006, June 7). Stability, Growth, and Prosperity: The Global Economy and the IMF.
21. McMillan, J., & Woodruff, C. (2002). The central role of entrepreneurs in transition economics. *Journal of Economic Perspectives*, 16(3), 153-70.
22. Shane, S. (2003). *A general theory of entrepreneurship. the individual-opportunity nexus*. Cheltenham: Edward Elgar.
23. UNDP. (2014). *HUMAN DEVELOPMENT REPORT\_Sustaining Human Progress Reducing Vulnerabilities and Building Resilience-Technical notes*. Washington DC: UNITED NATIONS DEVELOPMENT PROGRAMME (UNDP).
24. Wessels, W. J. (1993). *Economics*. North Carolina: Barron's.
25. World Bank. (1990). *Adjustment lending policies for sustainable growth*. Washington, DC : The World Bank: Policy and research series ; no. 14.
26. World Bank. (1993). *The East Asian Miracle*. Washington: Oxford University Press.
27. World Economic Forum. (2006). *Global Competitiveness Report 2006-2007*. Geneva, Switzerland: World Economic Forum.





مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۴۹۰۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: الگوی راهبردی حمایت از تولید ۲. محیط اقتصاد کلان

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه مطالعات محیط کسب و کار)

تهیه و تدوین: شاهین جوادی

ناظر علمی: سیدامیر سیاح

منتقاضی: معاونت پژوهش‌های اقتصادی

ویراستار تخصصی: \_\_\_\_\_

ویراستار ادبی: \_\_\_\_\_

واژه‌های کلیدی:

۱. کارآفرینی

۲. محیط کسب و کار

۳. اقتصاد کلان

۴. نرخ ارز واقعی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۴/۹